

استطاعت: توانایی خاص برای ادای مناسک حج، از شرایط وجوب حج

استطاعت از ریشه «ط - و - ع» و در لغت به معنای توانایی، قدرت و تمکن^۱ و به تعبیر دقیق‌تر، فراهم بودن زمینه‌های موجب توانایی انسان برای انجام دادن کاری است.^۲ بر این اساس، گفته‌اند: استطاعت اخص از قدرت است؛ زیرا هر مستطیع قادر است، ولی هر قادری مستطیع نیست.^۳ در اصطلاح فقهی، استطاعت به معنای توانایی انجام دادن واجبات یا تکالیف^۴ به کار رفته که گاه از آن به استطاعت عقلی^۵ یا عادی^۶ یا عرفی^۷ تعبیر می‌شود و شرط انجام دادن تکالیف است.^۸ مقصود از استطاعت در باب حج، مفهومی خاص‌تر یعنی توانایی حج گزاردن بر پایه ضوابط و احکام شرعی مانند داشتن توشه و وسیله سفر است^۹ که در اصطلاح فقیهان،

حصر الاجتهاد: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ ق.)، به کوشش الانصاری، قم، خیام، ۱۴۰۱ ق؛ الحق المبین: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ ق.)، به کوشش الحسینی، سازمان چاپ دانشگاه؛ خاتمة المستدرک، النوری (م. ۱۳۲۰ ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ ق؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۷۲ ش؛ دانشنامه شاهی: محمد امین استرآبادی (م. ۱۰۳۶ ق.)، مجموعه نسخ خطی کتابخانه مجلس، ش ۱۰۶۳۳؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۴۰۳ ق؛ رسائل فی درایة الحدیث: ابوالفضل حافظیان البابی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۴ ق؛ روضات الجنات: میرزا محمد باقر موسوی خوانساری، بیروت، دار الاسلامیه؛ طبقات اعلام الشیعة: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ ق.)، قم، اسماعیلیان؛ الفوائد المدنیة: محمد امین استرآبادی (م. ۱۰۳۶ ق.)، به کوشش رحمتی، قم، النشر الاسلامی، ۴۲۴ ق؛ فهرس التراث: محمد حسین حسینی جلالی، قم، دلیل ما؛ قصص العلماء: میرزا محمد تنکابنی، انتشارات علمیه اسلامیة؛ لوامع صاحبقرانی: محمد تقی مجلسی (م. ۱۰۷۰ ق.)، اسماعیلیان، ۴۱۴ ق؛ لؤلؤة البحرين: یوسف البحرانی (م. ۱۸۶ ق.)، به کوشش بحر العلوم، نجف، دار النعمان، ۱۳۴۵ ق؛ معجم رجال الحدیث: الخوئی (م. ۱۴۱۳ ق.)، بیروت، ۴۰۹ ق؛ مقدمه‌ای بر فقه شیعه: حسین مدرس طباطبایی، ترجمه: محمد آصف، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش؛ وسائل الشیعة: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۲ ق.

اباذر جعفری



۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۲۴۲؛ تاج العروس، ج ۱۱، ص ۲۲۹، «طوع»؛ لغت‌نامه، ج ۲، ص ۲۱۵۴، «استطاعة».
۲. مفردات، ص ۵۳۰؛ تاج العروس، ج ۱۱، ص ۳۲۹، «طوع».
۳. معجم الفروق اللغویة، ص ۴۷؛ ریاض السالکین، ج ۶، ص ۲۳۶.
۴. معجم لغة الفقهاء، ص ۶۲؛ فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۴۲۸.
۵. نک: کتاب الحج، خوئی، ج ۲، ص ۸۱؛ فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۴۲۸.
۶. الدروس، ج ۱، ص ۳۰۹؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۹.
۷. کشف الغطاء، ج ۲، ص ۴۴۰.
۸. نیل الاوطار، ج ۲، ص ۲۳۱؛ کتاب الخمس، ص ۲۳۷.
۹. نک: مواهب الجلیل، ج ۳۰، ص ۴۵۷؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۸۶؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۶.

مكلف کرده است^۶: «وَلَيْتَهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا». در حدیث‌های شیعه و اهل سنت، مقصود از این آیه را استطاعت شرعی در حج دانسته‌اند.^۷ پشتوانه دیگر آن، اجماع است.^۸ بر این اساس، گفته‌اند: اگر کسی بدون استطاعت و با تکلف حج بگزارد، حج او صحیح است؛ اما از حَجَّةِ الاسلام کفایت نمی‌نماید و وجوب را از دوش وی بر نمی‌دارد.^۹ در برابر، شماری از فقیهان امامی و اهل سنت بر آنند که استطاعت شرعی در وجوب حج شرط نیست و اگر کسی توان حج بگزاردن حتی با پای پیاده یا با طلب کردن هزینه حج از دیگران را داشته باشد، نیز حج بر او واجب است. به باور برخی از پیروان این دیدگاه، به موجب آیه ۹۷ آل عمران/۳ حج بر چنین شخصی واجب^{۱۰} است. برخی دیگر گفته‌اند: مقصود از استطاعت در حج، توانایی برای ادای مناسک حج، یعنی استطاعت عقلی است، نه استطاعت شرعی به معنای خاص.^{۱۱} برخی از فقیهان اهل سنت برای صحت

گونه‌ای «استطاعت شرعی» به شمار می‌رود.^۱ استطاعت بر دو گونه است: بالنفس و بالغیر. مقصود از بالنفس آن است که شخص با توانایی خود و بدون یاری گرفتن از دیگران حج بگزارد و بالغیر آن است که شخص ناتوان و پیر که توان مالی دارد، دیگری را اجیر کند تا به جای او حج را ادا نماید.^۲ استطاعت شرعی در حج چهار جزء یا عنصر دارد: مالی، امنیتی یا طریقی، بدنی، و زمانی.^۳ تعبیر استطاعت در حج برگرفته از آیه ۹۷ آل عمران/۳ است. (← ادامه مقاله، شرط استطاعت در حج)

◀ **شرط استطاعت در حج:** به باور مشهور فقیهان امامی^۴ و بسیاری از فقیهان اهل سنت^۵ استطاعت با حدود و شرایط خاص (← ادامه مقاله، اجزاء و عناصر تحقق استطاعت) شرط وجوب حَجَّةِ الاسلام* بر مکلفان است. دارای این شرط، در اصطلاح مستطیع نامیده می‌شود. از پشتوانه‌های این حکم، آیه ۹۷ آل عمران/۳ است که مسلمانان را در صورت استطاعت، به حج گزاردن

۶. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۹؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۲؛ مستند

الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۴-۲۵.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵؛ المستدرک،

ج ۱، ص ۴۴۲.

۸. الحدائق، ج ۱۴، ص ۸۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۴۸.

۹. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۳۱؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۷؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۷.

۱۱. الحدائق، ج ۱۴، ص ۸۲.

۱. الدروس، ج ۱، ص ۳۰۹؛ ذخیره المعاد، ج ۳، ص ۵۶۶.

۲. نک: فتح الباری، ج ۴، ص ۵۹.

۳. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۴-۶۵؛ الفقه الاسلامی، ج ۳،

ص ۲۰۸۳.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۵۱؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۲-۳۹۶.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۷۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۶۳-۷۱.

و حتی استحباب حج با تکلف، به آیه ۲۷ حج/۲۲ استناد کرده‌اند که در آن، حج پیادگان پیش از سوارگان یاد شده است^۱: ﴿يَأْتُونَكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ﴾. پشوانه دیگر آن‌ها، سیره صحابه است که با نبود استطاعت، حج می‌گزارند و پیامبر به آنان دستور اعاده نمی‌داد.^۲ برخی از فقیهان در حج واجب شده با نذر و نیز حج مستقر، جز در موارد خاص، استطاعت را شرط ندانسته‌اند. (← استقرار حج، نذر)

◀ اجزاء و عناصر تحقق استطاعت:

استطاعت در حج دارای شاخه‌ها و اجزای فرعی است که هر یک احکامی ویژه دارد. این اجزا عبارتند از:

۱. **استطاعت مالی:** به باور فقیهان، در صورتی حج بر مکلف واجب است که وی توانایی مالی به جا آوردن حج و عمره را داشته باشد.^۳ توانایی مالی با فراهم شدن این موارد تحقق می‌یابد:

◀ **توشه سفر (زاد):** مقصود از توشه سفر، نیازهای حج گزار در طول سفر مانند آب، غذا و لباس است.^۴ به باور فقیهان امامی^۵ و بسیاری

از فقیهان اهل سنت^۶ داشتن توشه سفر برای تحقق استطاعت و وجوب حج شرط است. پشوانه آنان آیه ۹۷ آل عمران/۳ و نیز حدیث‌هایی است که توشه سفر (الزاد) را از مصادیق «استطاع» یا «سبیل»^۷ در آیه یاد شده دانسته‌اند. در حدیث‌هایی دیگر نیز وجوب حج به داشتن هزینه سفر مشروط شده است.^۸ در برابر، برخی از فقیهان اهل سنت از جمله مالک و برخی از مالکیان، داشتن توشه سفر را شرط ندانسته و گفته‌اند: اگر شخصی با پای پیاده یا یاری خواستن از دیگران بتواند حج بگذارد، حج او صحیح و مجزی است^۹؛ زیرا وی را می‌توان مستطیع به شمار آورد.^{۱۰}

به باور بسیاری از فقیهان امامی، مخارج و توشه سفر باید درخور شأن حج گزار باشد^{۱۱}؛ زیرا به پشوانه قاعده نفی عسر و حرج، وی نباید دچار مشقت و سختی شود.^{۱۲}

به باور بیشتر فقیهان، افزون بر هزینه رفتن و

۶. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۹؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۹۹.

۷. السرائر، ج ۱، ص ۵۱۳-۵۱۴؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۰.

۸. التهذیب، ج ۵، ص ۳؛ المستدرک، ج ۱، ص ۴۴۲.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۶-۲۶۷؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳؛ المستدرک، ج ۱، ص ۴۴۲.

۱۰. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵-۳۸.

۱۱. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۹؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۴۸.

۱۲. المغنی، ج ۲، ص ۱۶۷؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۵۷-۴۵۸.

۱۳. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۴؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۳.

۱۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۴-۳۶۵؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۹۰.

۱. المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰.

۲. کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۵۱.

۳. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۳؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۳؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۰۸۳.

۴. فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۵؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۳، ص ۴۱.

۵. الخلاف، ج ۲، ص ۲۴۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۴۹.

ارزیابی استطاعت مالی اشخاص بیرون دانسته و فروش این اموال را برای هزینه کردن در راه حج واجب ندانسته‌اند؛ از جمله مسکن، خدمتکار، وسیله سواری، وسایل منزل، لباس‌ها و زیورهای مناسب، سلاح، و کتاب‌های علمی مورد نیاز.^{۱۰} پشتوانه فقیهان، افزون بر روایات^{۱۱}، پدید آمدن عسر و حرج در صورت فروش این گونه اموال است.^{۱۲} در برابر، برخی از فقیهان اهل سنت، مسکن و خدمتکار را از اموال استثنا شده به شمار نیاورده‌اند و بر آنند که در صورت حصول استطاعت با فروش این‌ها نیز حج واجب می‌شود.^{۱۳}

ل ب. وسیله سفر (راحله): در تحقق استطاعت مالی، داشتن مرکب و وسیله برای سفر نیز شرط است^{۱۴}؛ یعنی وسیله‌ای که حج گزار بتواند با آن به سفر حج رود و بازگردد.^{۱۵} پشتوانه فقیهان^{۱۶} آیه ۹۷ آل عمران/۳ و حدیث‌های^{۱۷} تفسیرکننده آن است که از مصادیق «استطاعت» و «سبیل» را داشتن وسیله

اقامت، داشتن هزینه بازگشت از سفر نیز شرط است^۱، مگر این که حج گزار قصد بازگشت به وطن را نداشته باشد.^۲ البته برخی از فقیهان اهل سنت^۳ آن را منوط به داشتن خانواده و خویشاوند در وطن شمرده‌اند. در صورت تلف شدن هزینه بازگشت پس از پایان مناسک حج، به باور بیشتر فقیهان امامی، حج از عهده فرد برداشته می‌شود و اعاده آن لازم نیست.^۴ پشتوانه این حکم را صحیح بودن چنین حجی نزد اهل شریعت، سکوت حدیث‌ها درباره این مسئله به رغم کاربرد فراوان آن، و نیز روایاتی دانسته‌اند که بر صحت حج کسی که پس از محرم شدن بمیرد، تصریح دارند.^۵ برخی از فقیهان امامی و اهل سنت، حج چنین شخصی را مجزی از حجة الاسلام ندانسته‌اند؛^۶ زیرا تلف شدن هزینه سفر پس از اعمال حج، نشان می‌دهد که استطاعت تحقق نیافته است.^۷ فقیهان امامی^۸ و بسیاری از فقیهان اهل سنت^۹ برخی از اموال ضروری را از شمول

۱۰. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۹۷-۹۸؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۳-۳۷۴؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۲.
۱۱. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۵۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸.
۱۲. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۹۹.
۱۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۷۰.
۱۴. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۱۰؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۲۷۷-۲۷۸.
۱۵. کتاب الحج، خوئی، ج ۳، ص ۴۱؛ مناسک الحج، خراسانی، ص ۱۴.
۱۶. الخلاف، ج ۲، ص ۲۴۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۶۳.
۱۷. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۷؛ المستدرک، ج ۱، ص ۴۴۲.

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۵۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۴۹؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۴.
۲. کتاب الحج، خوئی، ج ۳، ص ۴۶؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۳.
۳. المجموع، ج ۷، ص ۶۷.
۴. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۶۸؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۹۱.
۵. مستمسک العروة، ج ۱۰، ص ۱۱۵-۱۱۶.
۶. المجموع، ج ۷، ص ۱۰۹-۱۱۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۷.
۷. تعالیک مبسوطه علی العروة، ج ۸، ص ۱۱۲.
۸. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۵۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۵۳-۲۵۴.
۹. فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۱۲؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۱-۴۵۲.

سفر شمرده‌اند. برخی از فقیهان شیعه و اهل سنت آن را شرط حصول استطاعت ندانسته‌اند. (همین مقاله، شرط استطاعت در حج)

به باور مشهور^۱ فقیهان امامی و برخی از فقیهان اهل سنت^۲ این ضرورت به افراد ناتوان اختصاص ندارد؛ بلکه برای کسانی که توانایی پیاده رفتن به حج را دارند، نیز شرط است. پشتوانه آنان، عمومیت آیه ۹۷ آل عمران/۳ و نیز تعبیر «راحله» در حدیث‌ها و شهرت فقهی است.^۳ بر این اساس، برخی بر آنند که داشتن وسیله برای کسانی که وطن آنان به مکه نزدیک است^۴ و حتی برای ساکنان مکه^۵ نیز شرط است. اندکی از فقیهان امامی^۶ به پشتوانه حدیث‌هایی^۷ و نیز برخی از فقیهان اهل سنت^۸ گفته‌اند: داشتن وسیله فقط شرط استطاعت کسانی است که به آن نیاز دارند، نه آنان که توانایی ادای حج با پای پیاده را داشته باشند. بر پایه سخنانی دیگر، داشتن وسیله برای کسانی شرط استطاعت است که مسافت میان

وطن آنان تا مکه بسیار^۹ یا بیش از حد مسافت شرعی نماز شکسته باشد.^{۱۰}

به باور شماری از فقیهان امامی، مرکب سواری^{۱۱} باید با شأن حج گزار و وضع او متناسب باشد و گر نه استطاعت حاصل نمی‌شود؛ زیرا بر اساس عرف، شأن حج گزار در تحقق استطاعت او دخالت دارد.^{۱۲} در برابر، برخی از فقیهان امامی به پشتوانه اطلاق آیه و تعبیر حدیث‌ها و نیز تصریح بعضی از روایات به لزوم انجام دادن حج با وسیله‌ای فروتر از شأن حج گزار^{۱۳} و همچنین سیره پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام که با مرکبی مانند شتر حج می‌گزارده‌اند، این شرط را لازم ندانسته‌اند.^{۱۴} پذیرش این نظر از سخن برخی از فقیهان اهل سنت که انجام دادن حج را با پای پیاده و حتی با یاری خواستن از دیگران صحیح یا لازم شمرده‌اند^{۱۵} و نیز آنان که انجام دادن حج با مشقت را جایز و بلکه مستحب دانسته‌اند^{۱۶} برداشت می‌شود. به باور برخی از فقیهان، امروزه اگر مسافرت به مکه از مکانی دور جز

۹. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۵۱؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۸۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰.

۱۱. کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۲۸۲؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۴.

۱۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۴-۳۶۵.

۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۱۹.

۱۴. کشف اللثام، ج ۱، ص ۲۸۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۵۶.

۱۵. المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰.

۱۶. کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۱.

۱. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۵۲؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۳.

۲. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۵۲؛ حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۵۰۶.

۳. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۳.

۴. المجموع، ج ۷، ص ۹۰؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۳.

۵. حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۵۰۶؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۴.

۶. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۵۱؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۳؛ مستمسک العروة، ج ۱۰، ص ۶۸.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸.

۸. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۲؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۶۹.

فقیهان امامی^۹ این شرط را نمی‌پذیرند. بیشتر فقیهان اهل سنت نیز چنین شرطی را در آثار خود نیاورده‌اند. پشتوانه اینان^{۱۰} عموم آیه ۹۷ آل عمران/۳ است که بر پایه آن، در عرف مستطیع به کسی می‌گویند که توانایی انجام حج را دارد، هر چند پس از بازگشت نفقه نداشته باشد. به باور آن‌ها، در حدیث‌های مربوط به استطاعت نیز این شرط نیامده است.

د. داشتن نفقه خانواده و عیال: شرط دیگر استطاعت مالی، به باور فقیهان امامی^{۱۱} و اهل سنت^{۱۲} داشتن نفقه خانواده و دیگر کسانی است که هزینه زندگی آنان بر عهده حج گزار است. پشتوانه این حکم، اجماع^{۱۳} و آیه ۹۷ آل عمران/۳^{۱۴} و نیز حدیث‌های گوناگون از پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام^{۱۵} است.

برخی از ادله‌ای دیگر نیز یاد کرده‌اند؛ مانند اولویت نفقه که حق الناس است بر هزینه حج که حق الله به شمار می‌رود؛ و نیز قاعده نفی

با اتومبیل یا هواپیما ممکن نباشد و این وسایل در دسترس نباشند، استطاعت حاصل نمی‌شود.^۱

ج. رجوع به کفایت: به باور برخی از فقیهان امامی^۲، داشتن هزینه زندگی یا حرفه یا کسب و کار مناسب پس از بازگشت از سفر حج نیز از شرایط استطاعت مالی است. پشتوانه فقیهان^۳ در این زمینه، قاعده لاجرح^۴ و نیز حدیث‌هایی^۵ است که به صراحت، داشتن نفقه پس از بازگشت را ضروری دانسته‌اند. همچنین به اجماع و اصل براءت استناد شده است.^۶ برخی از فقیهان اهل سنت نیز داشتن هزینه زندگی تا یک ماه پس از بازگشت را شرط حصول استطاعت شمرده‌اند.^۷

به تصریح برخی از فقیهان، شرط یاد شده برای استطاعت، ویژه کسانی است که با مال خود مستطیع شده باشند. از این رو، چنین شرطی برای کسی که نفقه حج او را دیگری پرداخته، جاری نیست.^۸ در برابر، شماری از

۹. المعبر، ج ۲، ص ۷۵۶؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

۱۰. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۰۸.

۱۱. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۵۳؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۱۲. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۶۳؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۲؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۱.

۱۳. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۴.

۱۴. الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۱۵. نک: المستدرک، ج ۱، ص ۴۴۲.

۱۶. کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۱؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۲۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۴.

۱. مناسک الحج، گلپایگانی، ص ۱۶.

۲. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۵؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷.

۳. الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۲۴؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵.

۴. الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۲۴.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۷؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳.

۶. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۰۸.

۷. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۶۳.

۸. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷؛ کتاب الحج، گلپایگانی، ج ۱، ص ۳۱-۳۲.

عسر و حرج؛ زیرا فقدان نفقه خانواده به حرج و تنگنای آنان می‌انجامد.^۱ برخی از فقیهان امامی^۲ و اهل سنت^۳ تنها داشتن نفقه افراد واجب النفقه مانند همسر و فرزندان و نیز کسانی را واجب دانسته‌اند که یاری رسانی به آنان بر انسان لازم است.^۴

▼ ۲. استطاعت بذلی: در صورتی که هزینه حج را دیگری پردازد، به باور فقیهان امامی و شماری از اهل سنت، استطاعت حاصل و حج واجب می‌گردد.^۵ پشتوانه این وجوب، آیه ۹۷ آل عمران/۳، روایات^۶ و اجماع^۷ است. در برابر، بیشتر فقیهان اهل سنت، بذل هزینه حج را مایه استطاعت و وجوب حج نشمرده‌اند.^۸ (← حج بذلی)

▼ ۳. استطاعت بدنی: شاخه دیگر استطاعت، به باور بیشتر فقیهان امامی^۹ و اهل

سنت^{۱۰} استطاعت بدنی یعنی داشتن توانایی بدنی و سلامت جسمی برای انجام دادن سفر و مناسک حج است.^{۱۱} از این رو، بر شخص بیمار و ضعیف که توانایی حرکت، سوار شدن بر مرکب و انجام مناسک حج را بدون مشقت ندارد، حج واجب نیست. به باور بیشتر فقیهان، استطاعت یاد شده در آیه ۹۷ آل عمران/۳ توانایی بدنی را نیز در بر می‌گیرد.^{۱۲} در حدیث‌های شیعه^{۱۳} و اهل سنت^{۱۴}، تعبیر «سیل» در آیه، به معنای سلامت جسمی یا مفهومی اعم برداشت شده است. افزون بر این، به اجماع و قاعده نفی عسر و حرج نیز استناد کرده‌اند.^{۱۵} فقیهان امامی برای بیمارانی که به دشواری می‌توانند بر وسیله حمل و نقل سوار شوند، حج را واجب ندانسته‌اند.^{۱۶} به باور شماری از حنفیان، حج بر بیمارانی، از پا افتاده‌ها و نابینایان واجب نیست. دیگر فقیهان اهل سنت، نابینای دارای راهنما را مستطیع می‌دانند. شافعیان داشتن سلامت بدنی را در حد توانایی سوار شدن بر مرکب بدون مشقت

۱۰. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۱؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۲۸۶.
۱۱. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۲۱۰.
۱۲. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۳؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۰۸۶.
۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۷؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳.
۱۴. التمهید، ج ۹، ص ۱۲۹؛ عمدة القاری، ج ۹، ص ۱۲۳.
۱۵. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۳؛ فقه الصادق، ج ۹، ص ۱۲۰.
۱۶. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۸۰-۲۸۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸۰.

۱. فقه الصادق، ج ۹، ص ۷۴.
۲. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۷۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۱۳.
۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۶۳؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۵.
۴. اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۱۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۷۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۱۳.
۵. الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۶۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰.
۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹-۴۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۲.
۷. الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۱؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۹۹.
۸. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۲؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵.
۹. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۳؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۱۶.

مال و آبروی خود^{۱۰} است. پشتوانه این حکم، افزون بر اجماع^{۱۱}، آیه ۹۷ آل عمران/۳ است که استطاعت را در آن شامل استطاعت امنیتی و طریقی نیز دانسته‌اند.^{۱۲} نیز در روایات با تعبیری چون تخلیه السرب به این گونه استطاعت اشاره شده است.^{۱۳} ادله نفی حرج و ضرر را نیز دلالت‌گر بر همین شرط دانسته و گفته‌اند: در صورت نبود آن، وجوب حج ساقط می‌گردد.^{۱۴} برخی از فقیهان اهل سنت، این گونه استطاعت را شرط وجوب حج نمی‌دانند و بر آنند که این، شرط لزوم تلاش برای حج‌گزاران است. از این رو، در صورت نبود این شرط نیز حج واجب است و پس از مرگ مکلف هم بر عهده او مستقر می‌شود.^{۱۵} پشتوانه اینان حدیثی نبوی است که تنها وجود زاد و راحله را شرط وجوب حج شمرده و از استطاعت طریقی سخنی به میان نیاورده است.^{۱۶} فقیهان در زمینه استطاعت طریقی،

بسیار، کافی شمرده‌اند. مالکیان هر کس را که بتواند سواره یا پیاده بدون مشقت بسیار به مکه رود، مستطیع دانسته‌اند.^۱

در برابر، شماری از فقیهان امامی^۲ و برخی از فقیهان اهل سنت^۳ بر آنند که حج بر افراد بیمار و ناتوان نیز در صورت تحقق دیگر شرایط واجب است. از این رو، به پشتوانه حدیث‌هایی از پیامبر ﷺ و امامان^۴ این گونه اشخاص باید کسانی را به نیابت از خود به حج بفرستند.^۵ البته وجوب نیابت مشروط به آن است که فرستادن نایب ممکن باشد؛ و گر نه استطاعت وجود ندارد.^۶

۴.۳. استطاعت طریقی و امنیتی: بخش

دیگر استطاعت، طریقی و امنیتی^۸ یعنی باز بودن راه و نبود مانع از رسیدن حج‌گزار به میقات یا کامل کردن اعمال حج^۹ و نیز هراس نداشتن او از درندگان یا دشمنان درباره جان،

۱. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۱؛ المجموع، ج ۷، ص ۶۳، ۸۵؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۵۷-۴۵۸.
۲. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۵۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۶۸.
۳. المجموع، ج ۷، ص ۹۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۷.
۴. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۴۰؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۱.
۵. التهذیب، ج ۵، ص ۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۳.
۶. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۶۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۰۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۷.
۷. المغنی، ج ۳، ص ۱۷۷.
۸. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۳؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۴۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۰.
۹. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۳۲؛ مستمسک العروه، ج ۱۰، ص ۱۷۰.

۱۰. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۵؛ نک: مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۲؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۲۰.
۱۱. المعتمر، ج ۲، ص ۷۵۴-۷۵۵؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۹۱.
۱۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۶۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۹۱.
۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۷؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳.
۱۴. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۷۹؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۴؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۰.
۱۵. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۱.
۱۶. نک: سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۶۷؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۵۴.

چند مسئله را مطرح کرده‌اند:

۱. ا. رفتن به حج از مسیر دور و نامتعارف:

برخی از فقیهان شیعه بر آنند که در صورت مسدود بودن یا امنیت نداشتن راه متعارف، رفتن به سفر حج از طریق دور و نامتعارف واجب نیست؛ زیرا عرفاً شرط استطاعت تحقق نیافته است.^۱ برخی از اهل سنت نیز در این صورت، سفر حج را واجب ندانسته‌اند.^۲ در برابر، برخی از فقیهان امامی^۳ و عموم فقیهان اهل سنت^۴ بر آنند که در صورت توانایی برای پرداخت هزینه حج از طریق نامتعارف، استطاعت تحقق می‌یابد و حج واجب می‌شود. برخی از فقیهان امامی و جوب حج را به نبود ضرر و عسر و حرج در مسیر نامتعارف مشروط دانسته‌اند.^۵

۲. ب. پرداخت هزینه اضافی: برخی از

فقیهان در هنگام امکان حج گزاردن با پرداخت هزینه اضافی به دشمن یا ستمکاران، استطاعت طریقی را مفقود شمرده و حج را بر مکلف واجب ندانسته‌اند،^۶ به ویژه با این استدلال که کمک به دشمنان و ستم‌پیشگان، یاری به

ظلم^۷ و مصداق رشوه^۸ و موجب زیان دیگران است.^۹ اما شماری از فقیهان امامی و اهل سنت، به ویژه فقیهان متأخر شیعی بر این باورند که در این صورت حج واجب می‌شود؛ زیرا استطاعت طریقی حاصل است.^{۱۰} بر این اساس، برخی گفته‌اند: اگر کسی با خرید فیش حج با مبلغی بیش از معمول بتواند پیش از نوبت خود حج بگذارد، این کار بر او واجب است.^{۱۱} بر پایه دیدگاه دیگر، اگر بذل مال اضافی موجب زیان دیدن حج گزار شود، حج از عهده او برداشته می‌شود.^{۱۲}

۳. ج. وجود مَحْرَم برای زنان: به باور شماری از فقیهان اهل سنت، به ویژه حنفیان و حنبلیان، وجوب حج بر زنان مشروط به آن است که همسر یا محرمی دیگر با آنان در سفر حج همراه باشد.^{۱۳} برخی از آنان همراهی یکی از محارم را شرط وجوب حج نمی‌دانند؛ ولی بر آنند که سفر حج تا هنگام همراه شدن محرم، بر زنان لازم نیست.^{۱۴} پشتوانه آنان آیه

۷. الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۴۰-۱۴۱.

۸. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۸، ۳۷۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۵.

۹. کشف القناع، ج ۱، ص ۲۳۲؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۵.

۱۰. نک: شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۶؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۴۲؛

المغنی، ج ۳، ص ۱۶۹.

۱۱. احکام و آداب حج، ص ۶۸.

۱۲. المعتمر، ج ۲، ص ۷۵۵؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۵۴.

۱۳. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۸۷؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۳؛

المغنی، ج ۳، ص ۱۹۱.

۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۱۹۱.

۱. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۱؛ مستمسک العروه، ج ۱۰، ص ۱۷۱.

۲. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۶۸.

۳. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۷۹.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۷؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۷؛ مواهب الجلیل،

ج ۳، ص ۴۵۰.

۵. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۲۱۶.

۶. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۰۱؛ المجموع، ج ۷، ص ۷۹؛ کشف

القناع، ج ۱، ص ۲۳۲.

۹۷ آل عمران/۳ و ضرورت تحقق استطاعت طریقی برای زن به استناد این آیه^۱ و نیز حدیث‌هایی از پیامبر گرامی ﷺ است که زنان را از رفتن به حج یا هر سفر دیگر بدون حضور محرم بازداشته است.^۲ شماری از فقیهان اهل سنت از جمله برخی از شافعیان و مالکیان، همراهی زن یا زنانی مورد اعتماد را کافی شمرده‌اند.^۳ برخی از آن‌ها وجود محرم را تنها در حج واجب یا در صورت ناامن بودن راه لازم دانسته‌اند.^۴ فقیهان امامی به این شرط اختصاصی برای وجوب حج بر زنان قائل نشده‌اند؛^۵ زیرا حدیث‌های پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام وجوب حج بر زنان را به چنین شرطی وابسته ندانسته‌اند.^۶ البته اگر زن از جان یا آبرو یا مال خود بیم ورزد و در این حال، همراه محرم نداشته باشد، به سبب نبود استطاعت، حج از عهده وی برداشته می‌شود.^۷

۱. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۱۸؛ المنی، ج ۳، ص ۱۹۰؛ الجواهر النقی، ج ۵، ص ۲۲۵.
۲. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۲۰؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۳.
۳. الجواهر النقی، ج ۵، ص ۲۲۵؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۸۸-۴۹۰.
۴. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۴۲.
۵. المجموع، ج ۸، ص ۳۴۲.
۶. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۲؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۵۵.
۷. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۲۰.
۸. التهذیب، ج ۵، ص ۴۰۱.
۹. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۸۳-۸۴؛ الحقائق، ج ۱۴، ص ۱۴۴.
۱۰. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۸۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۵۱؛ تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۳۸۴.

۵. استطاعت زمانی: استطاعت زمانی یعنی داشتن فرصت کافی برای پیمودن راه و گزاردن کامل مناسک حج.^{۱۱} به باور شماری از فقیهان شیعه و اهل سنت، داشتن این فرصت از شاخه‌های استطاعت و شرایط وجوب حج است.^{۱۲} از این رو، در صورت تنگی وقت برای رسیدن به اعمال حج یا مشقت‌بار بودن پیمودن راه با سرعت^{۱۳}، حج از عهده مکلف برداشته می‌شود.^{۱۴} در این زمینه، افزون بر قاعده لا حرج و نیز اجماع^{۱۵}، به آیه ۹۷ آل عمران/۳ هم استناد کرده و استطاعت را شامل استطاعت زمانی نیز دانسته‌اند.^{۱۶} مالکیان، شافعیان و بیشتر فقیهان حنفی، استطاعت زمانی را شرط وجوب حج دانسته و در صورت نبود زمان کافی، وجوب حج را ساقط شمرده‌اند.^{۱۷} اما حنبلیان و شماری از فقیهان حنفی آن را شرط گزاردن حج دانسته‌اند، نه شرط وجوب آن. ایشان بر آنند که در صورت کافی نبودن زمان حج، وجوب حج مستقر می‌شود و با مرگ چنین شخصی، باید کسی به نیابت از

۱۱. روضة الطالبین، ج ۲، ص ۲۸۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۴-۶۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۵.
۱۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۲؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص ۲۹.
۱۳. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۴-۶۵.
۱۴. روضة الطالبین، ج ۲، ص ۲۸۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۵.
۱۵. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۴-۶۵؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۲.
۱۶. روضة الطالبین، ج ۱۱، ص ۲۸۷؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۹۲.
۱۷. مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۴۸-۴۴۹.

وی حج بگذارد.^۱ در صورت نبود استطاعت زمانی، فقیهان امامی در این زمینه اختلاف دیدگاه دارند که آیا مکلف باید جنبه‌های دیگر استطاعت خود، به ویژه استطاعت مالی، را تا سال آینده حفظ نماید یا چنین کاری بر او واجب نیست.^۲

❖ **احکام استطاعت:** در منابع فقهی، احکامی درباره وجوه گوناگون استطاعت، به ویژه استطاعت مالی، مطرح شده که مهم‌ترین موارد آن عبارتند از:

۱. **تحصیل استطاعت:** به باور بیشتر فقیهان امامی^۳ و اهل سنت^۴ دستیابی به استطاعت برای حج واجب نیست، هر چند آسان باشد. به دیگر سخن، استطاعت شرط وجوب حج است، نه شرط تحقق واجب. شماری از فقیهان وجوب حج با نذر را منوط به استطاعت نذرکننده ندانسته‌اند^۵، هر چند شماری دیگر استطاعت شرعی را در آن نیز شرط کرده‌اند.^۶ بر پایه اعتقاد به واجب نبودن تحصیل استطاعت، اگر کسی بتواند با پذیرش

مبلغی یا اجیر شدن در برابر پرداخت پول، مستطیع شود، قبول آن بر او واجب نیست.^۷ البته برخی حج را در این فروض واجب شمرده‌اند، با این استدلال که استطاعت عرفی تحقق یافته است.^۸ به باور ناقدان این دیدگاه، وجوب حج مشروط به استطاعت شرعی است، نه استطاعت عرفی. افزون بر این، تنها توانایی کار و کسب درآمد، مایه استطاعت نیست.^۹ بر این اساس، وام گرفتن هزینه حج نیز بر اشخاص واجب نیست؛ زیرا تحصیل استطاعت وجوب ندارد.^{۱۰}

اگر کسی به اندازه هزینه حج وام بگیرد و توانایی پرداخت آن را داشته باشد، به سبب حصول استطاعت، حج بر او واجب می‌شود.^{۱۱} نیز اگر کسی اموالی افزون بر نیاز داشته باشد، اما نتواند آن را بالفعل برای حج هزینه نماید، واجب است هزینه حج را وام بگیرد و سپس با فروش آن اموال، وام خود را بپردازد.^{۱۲} پشوانه این حکم، افزون بر حدیث‌ها^{۱۳} آن است که با وجود اموال یاد شده، استطاعت

۷. کتاب الحج، خوئی، ج ۳، ص ۵۷؛ مناسک الحج، سیستانی، ص ۲۳.

۸. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۴-۵۸.

۹. کتاب الحج، خوئی، ج ۳، ص ۵۷.

۱۰. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۶۲؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۵.

۱۱. کتاب الحج، خوئی، ج ۳، ص ۵۹؛ مناسک الحج، خراسانی، ص ۲۰؛ مناسک الحج، تبریزی، ص ۲۳.

۱۲. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۰؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۷۶.

۱۳. التهذیب، ج ۵، ص ۴۴۱-۴۴۲.

۱. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۴۸.

۲. نک: العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۱۶؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۳. الدرر، ج ۱، ص ۳۱۲؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۷۶.

۴. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۴۸.

۵. الجامع للشرائع، ص ۱۷۴؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۶۶؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۴۱۶.

۶. الدرر، ج ۱، ص ۳۱۸؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۸۰.

تحقق می‌یابد.^۱ ولی برخی بر آنند که در این حالت نیز وام گرفتن واجب نیست؛ زیرا هزینه حج بالفعل وجود ندارد و دستیابی به استطاعت نیز واجب نیست.^۲

۲. شک در استطاعت: شک در

استطاعت گاه به سبب تردید در رسیدن میزان اموال به حد استطاعت است و گاه به دلیل شک در کافی بودن آن برای تأمین هزینه حج. به باور شماری از فقیهان، در هر دو صورت، بررسی درباره استطاعت لازم نیست و به اقتضای اصول شرعیه از جمله استصحاب و براءت، در این زمینه تکلیفی وجود ندارد.^۳ شماری از فقیهان این بررسی را واجب شمرده^۴ یا آن را مقتضای احتیاط دانسته‌اند.^۵ پشوانه آن‌ها افزون بر روایات^۶ آن است که بررسی نکردن در این گونه موارد، گاه به مخالفت قطعی با حکم شارع می‌انجامد.^۷

۳. جهل به استطاعت: در صورت جهل

مکلف به استطاعت خود یا غفلت از آن و تلف شدن مال پس از حصول استطاعت، به

باور شماری از فقیهان، حج بر او واجب می‌شود؛ زیرا دانستن استطاعت، تنها شرط تنجز تکلیف است، نه ثبوت آن. البته جهل و غفلت سبب می‌شود که وی معذور شمرده شود.^۸ بر این اساس، در صورت مرگ مکلف، پیش یا پس از تلف شدن مال، باید به نیابت از او حج گزارده شود.^۹ از دیدگاهی دیگر، حج بر عهده چنین شخصی مستقر نمی‌شود؛ زیرا در حال جهل و غفلت، انسان تکلیفی ندارد و پس از آگاهی نیز استطاعتش پابرجا نمانده است.^{۱۰} برخی نیز تنها در صورتی استطاعت را فراهم می‌دانند که جهل یا غفلت از وجوب حج، برخاسته از قصور و کوتاهی شخص باشد.^{۱۱}

۴. استطاعت مدیون: شماری از فقیهان

شیعه^{۱۲} و اهل سنت^{۱۳} بر آنند که بدهی سبب می‌شود که استطاعت تحقق نیابد، خواه آن بدهی مدت‌دار باشد و خواه بدون مدت. البته اگر اموال کسی بدهی او را بپوشاند، وی مستطیع به شمار می‌آید.^{۱۴} پشوانه این سخن،

۱. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۰.

۲. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۱۱۲.

۳. مستمسک العروه، ج ۱۰، ص ۱۰۳؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۸.

۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۸۳.

۵. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۸۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۵.

۶. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۱۵۳.

۷. نک: مستمسک العروه، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۸. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۸۷-۳۸۸.

۹. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۸۶؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۱۳۵.

۱۰. جامع الشتات، ج ۱، ص ۲۸۲.

۱۱. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۱۳۵.

۱۲. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۸؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۹۰.

۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۶۸؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۶۷.

۱۴. الحدائق، ج ۱۴، ص ۹۰.

افزون بر روایات^۱ آن است که با بدهکار بودن شخص و زیان دیدن بستانکار از تأخیر در پرداخت بدهی، استطاعت صدق نمی‌کند.^۲ برخی گفته‌اند: بدهی که حق الناس است، بر حج که حق الله است، تقدم دارد.^۳ به باور بعضی، در صورتی که پرداخت بدهی با سفر حج ناسازگار باشد، مانند هنگامی که سررسید پرداخت آن رسیده یا مدت‌دار باشد، ولی فرد نداند که پس از حج توان پرداخت آن را دارد، استطاعت تحقق نمی‌یابد. البته در صورت اطمینان به توانایی پرداخت آن یا امکان تأخیر پرداخت با اجازه طلبکار، حج واجب است؛ زیرا در این حالت استطاعت حاصل است^۴ و ادله عام و جوب حج، شامل آن می‌شود. فقیهان امامی در این زمینه دیدگاه‌هایی دیگر را نیز مطرح کرده‌اند.^۵

در صورتی که ادای حقوق الهی مانند خمس و زکات با استطاعت سازگار نباشد، به باور فقیهان امامی^۶ و شماری از فقیهان اهل سنت^۷، حج از عهده مکلف برداشته می‌شود و

پرداخت خمس و زکات بر او واجب است؛ زیرا با وجوب حقوق الهی، استطاعت تحقق نمی‌یابد.^۸ همچنین به باور شماری از فقیهان اگر هزینه حج یا لباس احرام یا قربانی حج گزار از مالی باشد که خمس یا زکات به آن تعلق گرفته، حج وی صحیح نیست.^۹ اگر خمس و زکات به ذمه شخص، نه اموال او، تعلق گیرد و وی با پرداخت نکردن حقوق الهی حج بگذارد، حج او صحیح است، هر چند مرتکب گناه شده است.^{۱۰} شماری از فقیهان اهل سنت در هنگام ناسازگاری میان انجام دادن حج و پرداخت زکات، گزاردن حج را برتر دانسته‌اند؛ زیرا مناسک حج، بر خلاف زکات، زمانی خاص دارد.^{۱۱}

▼ ۵. استطاعت با طلب: فقیهان امامی و بسیاری از فقیهان اهل سنت بر آنند که اگر سررسید طلب فرارسیده باشد و بدهکار از پرداخت آن خودداری نکند، به سبب حصول استطاعت، حج واجب است.^{۱۲} اما اگر طلب مدت‌دار یا بدهکار تنگدست باشد و یا از پرداخت بدهی خودداری کند، استطاعت

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲. الحدائق، ج ۱۴، ص ۹۰؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶.

۳. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۵۶؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۲.

۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۷۸.

۵. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۱۲۱.

۶. نک: الحدائق، ج ۱۴، ص ۹۰؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲.

۷. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۳۳؛ مستمسک العروه، ج ۱۰، ص ۱۹۰.

۸. مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۶۷.

۹. کتاب الحج، خوئی، ج ۳، ص ۶۱.

۱۰. کتاب الحج، خوئی، ج ۳، ص ۶۱.

۱۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۳۳؛ مستمسک العروه، ج ۱۰، ص ۱۹۰.

۱۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۳۳.

۱۳. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۱۶۹.

۱۴. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۵۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۵۹؛ المغنی،

ج ۳، ص ۱۷۳.

داشته باشد، پدر می‌تواند با دارایی او، حج واجب را به جا آورد و فرزندش وظیفه دارد که این مال را به او عطا کند.^۷ پشوتانه این حکم، حدیث نبوی است که فرزند و دارایی او را متعلق به پدر دانسته است^۸ و نیز حدیث‌هایی^۹ که حج‌گزاری با دارایی فرزند را مباح شمرده‌اند.^{۱۰} به نظر مشهور فقیهان امامی، به ویژه متأخران، بذل مال فرزند واجب نیست^{۱۱} و حتی برخی گرفتن مال فرزند را برای گزاردن حج جایز ندانسته‌اند.^{۱۲} شماری از فقیهان اهل سنت بر آنند که حتی اگر فرزند این مال را بذل کند، حج بر پدر واجب نیست.^{۱۳} پشوتانه این دیدگاه آن است که مال فرزند متعلق به پدر نیست.^{۱۴} افزون بر این، در حدیث‌هایی^{۱۵} از گرفتن مال فرزند جز در موارد ضرورت نهی شده است.^{۱۶} پیروان این دیدگاه، روایت‌های گرفتن مال فرزند را

تحقق نمی‌یابد.^۱ اگر سررسید دریافت طلب فرارسیده باشد و بدهکار بدهی خود را نپردازد، ولی به کمک حاکم شرع یا دیگران بتوان به اجبار و بدون مشقت بدهی را بازستاند، به باور شماری از فقیهان، استطاعت فراهم نیست؛^۲ زیرا این کار به منزله تلاش برای دستیابی به استطاعت است که واجب نیست.^۳ برخی با این استدلال که در این فرض توانایی مالی وجود دارد، بر آنند که استطاعت فراهم شده است.^۴ در فرض مدت‌دار بودن طلب، شماری از فقیهان گفته‌اند: وام گرفتن برای حج به قصد بازپرداخت آن از طریق طلبی که بعدها دریافت می‌شود، واجب نیست؛ زیرا اصل، عدم وجوب حج است. افزون بر آن، استطاعت در این مورد حاصل نیست.^۵ برخی دیگر حج را در این زمینه واجب شمرده‌اند؛ زیرا در این مورد توانایی حج گزاردن وجود دارد.^۶

۶. استطاعت با اموال فرزند: به باور

شماری از فقیهان امامی، اگر کسی هزینه حج را نداشته باشد، ولی فرزندش اموالی برابر آن

۷. الخلاف، ج ۳، ص ۲۵۱؛ مختلف الشیعه، ج ۵، ص ۳۱-۳۲.
۸. الکافی، ج ۵، ص ۱۳۵؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۰۴.
۹. الاستبصار، ج ۳، ص ۵۰.
۱۰. کشف اللثام، ج ۵، ص ۱۱۰؛ مختلف الشیعه، ج ۵، ص ۳۰-۳۱.
۱۱. الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۰۹؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۶۹.
۱۲. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۷۵؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۲۰۳.
۱۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۵۴.
۱۴. الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۰۹.
۱۵. الکافی، ج ۵، ص ۱۳۵؛ التهذیب، ج ۶، ص ۳۴۳-۳۴۴.
۱۶. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۷۶؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۶۹.

۱. المغنی، ج ۳، ص ۱۷۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۶۹؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۷۴.
۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۷۴.
۳. مستمسک العروه، ج ۱۰، ص ۹۱.
۴. کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۱۱۴.
۵. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۸؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲.
۶. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱.

مربوط به مواردی دانسته‌اند که پدر به آن نیازمند باشد^۱ یا مال را وام بگیرد.^۲ برخی نیز این روایت‌ها را دلالت‌گر بر استحباب دانسته‌اند.^۳

۷.۷. دستیابی به استطاعت در سفر حج:

به باور شماری از فقیهان امامی^۴ و اهل سنت^۵ حج بر کسانی که در وطن خود مستطیع نیستند، هر چند در سفر حج با کار کردن بتوانند هزینه آن را تأمین نمایند، واجب نیست؛ زیرا استطاعت با فراهم بودن هزینه سفر تحقق می‌یابد، نه با توانایی تأمین آن. فراهم کردن استطاعت مالی در راه سفر، از قبیل دستیابی به استطاعت است که واجب نیست.^۶ در برابر، شماری از فقیهان حنبلی به پشتوانه آیه ۲۷ حج/۲۲ که پیادگان را پیشتر از سوارگان یاد کرده و نیز با این استدلال که چنین حجی مبالغه در طاعت الهی است، آن را مستحب شمرده‌اند.^۷ شماری از فقیهان امامی، در فرض امکان دستیابی به استطاعت بدون مشقت در راه حج، استطاعت را فراهم دانسته‌اند.^۸

شماری از فقیهان امامی و اهل سنت گفته‌اند: اگر مسیر و زمان سفر حج طولانی باشد، بدان سان که به سبب مشقت فراوان، در بعضی از روزها حج گزار نتواند کار کند، استطاعت حاصل نمی‌شود و در غیر این صورت، استطاعت تحقق می‌یابد.^۹ شماری از فقیهان اهل سنت بر آنند که اگر حج گزار بتواند در هر روز بیش از هزینه خود درآمد به دست آورد، به گونه‌ای که هزینه روزهای بیکاری وی جبران شود، استطاعت فراهم می‌گردد؛ و گرنه حاصل نمی‌شود.^{۱۰}

۸.۷. استطاعت با وجود نیاز به ازدواج:

اگر کسی اموالی برابر با هزینه حج در اختیار داشته باشد، ولی نیازمند ازدواج باشد، به باور شماری از فقیهان امامی^{۱۱} و اهل سنت^{۱۲} استطاعت فراهم می‌شود. به دیگر سخن، در این حالت، حج برتر است، هر چند وی با ترک ازدواج دچار مشقت و سختی شود؛ زیرا آیه ۹۷ آل عمران/۳ بر آن دلالت دارد^{۱۳} و نیز وجوب حج در فرض استطاعت، فوری است، ولی ازدواج به باور بیشتر فقیهان مستحب است

۱. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۷۷؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۰۹؛ کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۸.

۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۲۶۵؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۳.

۵. کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۱؛ نک: المغنی، ج ۳، ص ۱۷۳.

۶. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۹۰-۹۱.

۷. المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۱.

۸. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷.

۹. فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۲، ۱۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۵۹؛ مغنی

المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۳.

۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۶۵-۶۶؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۳.

۱۱. الخلاف، ج ۲، ص ۲۴۸؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۵؛ قواعد

الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۴.

۱۲. مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۶۵.

۱۳. الخلاف، ج ۲، ص ۲۴۸.

(← ارتداد، اسلام) اگر کافر اسلام بیاورد و استطاعت او پیش از پذیرش اسلام از میان برود، حج بر عهده وی مستقر نمی‌شود و به باور بیشتر فقیهان شیعه و اهل سنت، تنها هنگامی حج بر او واجب است که استطاعت او همچنان باقی بماند.^{۱۰} پشتوانه این حکم «قاعده جبّ» بر پایه حدیثی^{۱۱} از پیامبر ﷺ است که اسلام آوردن را موجب رفع تکالیف پیشین دانسته است.^{۱۲} شماری از فقیهان امامی، در صورت از میان رفتن استطاعت نیز حج را بر کافر واجب شمرده‌اند.^{۱۳} فقیهان امامی و شماری از فقیهان اهل سنت درباره مرتد گفته‌اند: اگر استطاعت از میان برود، باز هم حج بر او واجب است؛^{۱۴} زیرا قاعده جبّ به کافر اصلی اختصاص دارد و شامل مرتد نمی‌شود.^{۱۵}

▼ ۱۰. مرگ مستطیع: به باور فقیهان شیعه و اهل سنت، به پشتوانه حدیث‌هایی^{۱۶}، مرگ مستطیع پس از استقرار حج یعنی سپری شدن زمانی که در آن امکان محرم شدن و گزاردن مناسک اصلی حج وجود دارد، حج را از

و عدول از واجب به مستحب، جز به پشتوانه دلیل خاص روا نیست.^۱ در برابر، شماری از فقیهان شیعه و بسیاری از فقیهان اهل سنت گفته‌اند: اگر ترک ازدواج سبب ارتکاب گناه^۲ یا مشقت فراوان و یا بیماری^۳ گردد، ازدواج لازم است و استطاعت حاصل نمی‌شود. قاعده‌های نفی عسر و حرج^۴ و لاضرر نیز بر همین حکم دلالت دارند.^۵ شماری از فقیهان اهل سنت بر این باورند که در این حالت، از آن رو که وجوب انجام حج فوری نیست، حج بر عهده وی مستقر می‌شود، ولی به دلیل وجوب فوری ازدواج، به تأخیر می‌افتد.^۶

▼ ۹. استطاعت کافر و مرتد: به باور مشهور فقیهان امامی، کافر و مرتد در صورت استطاعت، مکلف به گزاردن حج هستند؛ زیرا اسلام شرط وجوب حج نیست، هر چند شرط صحت آن است.^۸ در برابر، بیشتر فقیهان اهل سنت حج را بر کافر و مرتد واجب ندانسته‌اند.^۹

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۲۴۸؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۵۳.

۲. المغنی، ج ۳، ص ۱۷۲؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۲، ۱۴؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۴.

۳. ذخیره المعاد، ج ۱، ق ۳، ص ۵۶۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۱؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۴.

۴. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۱.

۵. نک: مستمسک العروه، ج ۱۰، ص ۸۹؛ فقه الصادق، ج ۹، ص ۵۱.

۶. المجموع، ج ۷، ص ۷۱-۷۲؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۶۵.

۷. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۰۲.

۸. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۵۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۰۱.

۹. تحفه الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۳؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۳۹-۴۴۰.

۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۱۹؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۸؛ الرسائل العشر، ص ۱۹۵.

۱۱. مسند احمد، ج ۴، ص ۲۰۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۴۸.

۱۲. کشف اللثام، ج ۵، ص ۱۳۰؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۴۵.

۱۳. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۶۸-۶۹.

۱۴. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۲۶۹؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۱۷.

۱۵. کتاب الحج، خوئی، ج ۱، ص ۲۶۹.

۱۶. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۵۰؛ سنن النسائی، ج ۵، ص ۱۱۶؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۷۷.

عهده او بر نمی دارد و ورثه باید با بهره گیری از اموال او به نیابت از وی حج را به جا آورند.^۱ (← استقرار حج) اما اگر مرگ مستطیعی که حج بر عهده وی اسقرار نیافته، پیش از آغاز حرکت برای سفر حج^۲ یا پس از حرکت و پیش از محرم شدن^۳ رخ دهد، حج از عهده او برداشته می شود. در واقع، مرگ او در این مرحله نشان می دهد که وی مستطیع نبوده است.^۴ نیز با مرگ این فرد پس از احرام و ورود به حرم، به باور مشهور فقیهان شیعه، حج او صحیح است و نیاز به قضا ندارد. ولی مرگ او پیش از ورود به حرم، قضا را بر ورثه واجب می سازد.^۵

◀ منابع

احکام و آداب حج: محمد رضا گلپایگانی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق؛ الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ اعانة الطالبین: السید البکری الدمیاطی (م. ۱۳۱۰ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق؛ ایضاح الفوائد: محمد بن الحسن بن یوسف الحلّی (م. ۷۷۱ق)، به کوشش اشتیاردی و دیگران،

قم، العلمیه، ۱۳۸۷ق؛ البحر الرائق: ابونجیم المصری (م. ۹۷۰ق)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق)، پاکستان، المکتبة الحبییه، ۱۴۰۹ق؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۰ق؛ تحریر الوسيله: امام خمینی (ع)، (م. ۱۳۶۸ش)، نجف، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۰ق؛ تحفة الفقهاء: علاء الدین السمرقندی (م. ۵۳۵/۵۳۹ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ تذکرة الفقهاء: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ تعالیک مبسوطه علی العروه: محمد اسحاق الفیاض، انتشارات محلاتی، التمهید: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق)، به کوشش مصطفی و محمد عبدالکبیر، مغرب، وزارة الاوقاف، ۱۳۸۷ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ جامع الشتات: میرزا ابوالقاسم القمی (م. ۱۲۳۱ق)، به کوشش رضوی، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳ق؛ جامع المدارک: سید احمد الخوانساری (م. ۱۴۰۵ق)، به کوشش غفاری، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۴۰۵ق؛ جامع المقاصد: الکرکی (م. ۹۴۰ق)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ق؛ الجامع للشرائع: یحیی بن سعید الحلّی (م. ۶۹۰ق)، به کوشش گروهی از فضلا، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۵ق؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۱۲۶۶ق)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الجوهر النقی: الماردینی (م. ۷۵۰ق)، دار الفکر؛ حاشیه الدسوقي: الدسوقي (م. ۱۲۳۰ق)، احیاء الکتب العربیه؛ حاشیه رد

۱. المجموع، ج ۷، ص ۱۰۹؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۶۲؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۸.
۲. المجموع، ج ۷، ص ۱۰۹؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۵-۱۶؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۸.
۳. الحقائق، ج ۱۴، ص ۱۵۴.
۴. فتح العزیز، ج ۳، ص ۳۰؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۱۲۰.
۵. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۶؛ ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۲۷۳.

المختار: ابن عابدين (م. ٢٥٢ق)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **الحدائق الناضرة**: يوسف البحراني (م. ١٨٦ق)، به كوشش آخوندی، قم، نشر اسلامي، ١٣٦٣ش؛ **الخلافة**: الطوسي (م. ٤٦٠ق)، به كوشش سيد علي خراساني و ديگران، قم، نشر اسلامي، ١٤١٨ق؛ **الدروس الشرعية**: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٢ق؛ **ذخيرة المعاد**: محمد باقر السبزواري (م. ١٠٩٠ق)، آل البيت (ع)؛ **الرسائل العشر**: ابن فهد الحلبي (م. ٨٤١ق)، به كوشش رجائي، قم، مكتبة النجفي، ١٤٠٩ق؛ **الروضة البهيبة**: الشهيد الثاني (م. ٩٦٥ق)، تهران، علميه اسلاميه؛ **روضة الطالبين**: النووي (م. ٦٧٦ق)، به كوشش عادل احمد و علي محمد، بيروت، دار الكتب العلمية؛ **رياض السالكين**: عليخان الحسيني المدني، به كوشش الحسيني، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٩ق؛ **السرائر**: ابن اديس (م. ٥٩٨ق)، قم، نشر اسلامي، ١٤١١ق؛ **سنن ابن ماجه**: ابن ماجه (م. ٢٧٥ق)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٣٩٥ق؛ **سنن الترمذي**: الترمذي (م. ٢٧٩ق)، به كوشش عبد الوهاب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ **سنن النسائي**: النسائي (م. ٣٠٣ق)، به كوشش عبدالغفار و سيد كسروي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق؛ **شرائع الاسلام**: المحقق الحلبي (م. ٦٧٦ق)، به كوشش سيد صادق شيرازي، تهران، استقلال، ١٤٠٩ق؛ **صحيح البخاري**: البخاري (م. ٢٥٦ق)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ **صحيح مسلم**: مسلم (م. ٢٦١ق)، بيروت، دار الفكر؛ **العروة الوثقى**: سيد محمد كاظم يزدي (م. ١٣٣٧ق)، قم، نشر اسلامي، ١٤٢٠ق؛ **عمدة القاري**: العيني (م. ٨٥٥ق)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **فتح الباري**: ابن حجر العسقلاني (م. ٨٥٢ق)، بيروت، دار المعرفة؛ **فتح العزيز**:

عبدالكريم بن محمد الرافعي (م. ٦٢٣ق)، دار الفكر؛ **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت (ع)**: سيد محمود شاهرودي، قم، دائرة المعارف فقه اسلامي، ١٣٨٢ش؛ **الفقه الاسلامي وادلته**: وهبة الزحيلي، دمشق، دار الفكر، ١٤١٨ق؛ **فقه الصادق (ع)**: سيد محمد صادق روحاني، قم، دار الكتاب، ١٤١٣ق؛ **قواعد الاحكام**: العلامة الحلبي (م. ٧٢٦ق)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٣ق؛ **الكافي**: الكليني (م. ٣٢٩ق)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ **كتاب الحج**: محمود الحسيني الشاهرودي، قم، مؤسسه انصاريان، ١٤٠٢ق؛ **كتاب الحج**: تقرير بحث الكلبيگاني، الصابري، قم، الخيام، ١٤٠٠ق؛ **كتاب الحج**: محاضرات الخوئي (م. ١٤١٣ق)، الخليلي، قم، مدرسة دار العلم، ١٤١٠ق؛ **كتاب الخمس**: مرتضى الحائري (م. ١٤٠٦ق)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٨ق؛ **كشف القناع**: منصور البهوتي (م. ١٠٥١ق)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ **كشف الغطاء**: كاشف الغطاء (م. ١٢٢٧ق)، اصفهان، مهدوي؛ **كشف اللثام**: الفاضل الهندی (م. ١٣٧ق)، قم، مكتبة النجفي، ١٤٠٥ق؛ **كفاية الاحكام (كفاية الفقه)**: محمد باقر السبزواري (م. ١٠٩٠ق)، به كوشش الواعظي، قم، النشر الاسلامي، ١٤٢٣ق؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م. ٧١١ق)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ **لغت نامه**: دهخدا (م. ١٣٣٤ش) و ديگران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ١٣٧٧ش؛ **المبسوط في فقه الاماميه**: الطوسي (م. ٤٦٠ق)، به كوشش بهبودي، تهران، المكتبة المرتضويه؛ **المبسوط**: السرخسي (م. ٤٨٣ق)، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٦ق؛ **المجموع شرح المذهب**: النووي (م. ٦٧٦ق)، دار الفكر؛ **مختلف الشيعة**: العلامة الحلبي (م. ٧٢٦ق)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٢ق؛ **مدارك الاحكام**: سيد محمد

بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۰ ق؛ **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام**: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ ق؛ **مستدرک الوسائل**: النوری (م. ۱۳۲۰ ق.)، بیروت، آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ ق؛ **المستدرک علی المحیّین**: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ ق؛ **مستمسک العروة الوثقی**: سید محسن حکیم (م. ۱۳۹۰ ق.)، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۴ ق؛ **مستند الشیعه**: احمد النراقی (م. ۱۲۴۵ ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المعتبر**: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ ق.)، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۳ ش؛ **معجم لغة الفقهاء**: محمد قلعه جی، بیروت، دار الفنائس، ۱۴۰۸ ق؛ **معجم الفروق اللغویه**: ابوهلال العسکری (م. ۳۹۵ ق.)، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ق؛ **مغنی المحتاج**: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق؛ **المغنی**: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **مفردات**: الراغب (م. ۴۲۵ ق.)، به کوشش صفوان داودی، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ ق؛ **من لا یحضره الفقیه**: الصدوق (م. ۳۸۱ ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق؛ **مناسک الحج**: السید علی السیستانی، قم، ۱۴۱۳ ق؛ **مناسک الحج**: الوحید الخراسانی؛ **مناسک الحج**: جواد التبریزی، قم، مطبعة مهر، ۱۴۱۴ ق؛ **مناسک الحج**: محمد رضا گلایگانی (م. ۱۴۱۴ ق.)، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق؛ **منتهی المطلب**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، چاپ سنگی؛ **مواهب الجلیل**: الخطاب الرعینی (م. ۹۵۴ ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق؛ **نیل الاوطار**: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ ق.)، بیروت، دار الجیل،

۱۹۷۳ م؛ **وسائل الشیعه**: الحر العاملی (م. ۱۰۴۰ ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۲ ق.

سید جعفر صادقی فدکی



استظلال: بهره گیری احرام گزار از سایه، از محرمات احرام

واژه استظلال از ریشه «ظ - ل - ل» به معنای پناه بردن به سایه، به سایه در آمدن، و سایه خواستن به کار می رود.^۱ در مبحث حج منابع فقهی، استظلال یا تظلیل به عنوان یکی از محرمات احرام^{*}، به گونه مستقل در مبحث پوشاندن سر^{*} که از دیگر محرمات احرام است، بررسی می شود. کاربرد این واژه در منابع فقهی بیشتر به همان معنای لغوی است؛ اما با توجه به قیود و شرایط استظلال به منزله یکی از محرمات احرام، این اصطلاح در فقه اسلامی معنایی خاص تر از مفهوم لغوی یافته و بیشتر مقصود از آن، بهره گیری مرد محرم از سایه آفتاب در حال حرکت وسیله حمل و نقل، مانند کجاوه و خودرو و قطار، و حتی در حال پیاده روی است.^۲ البته شماری از فقیهان مقصود از تظلیل و

۱. الصحاح، ج ۵، ص ۱۷۵۶؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۱۶، ۴۱۸؛

القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۰، «الظل».

۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۸۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۴.